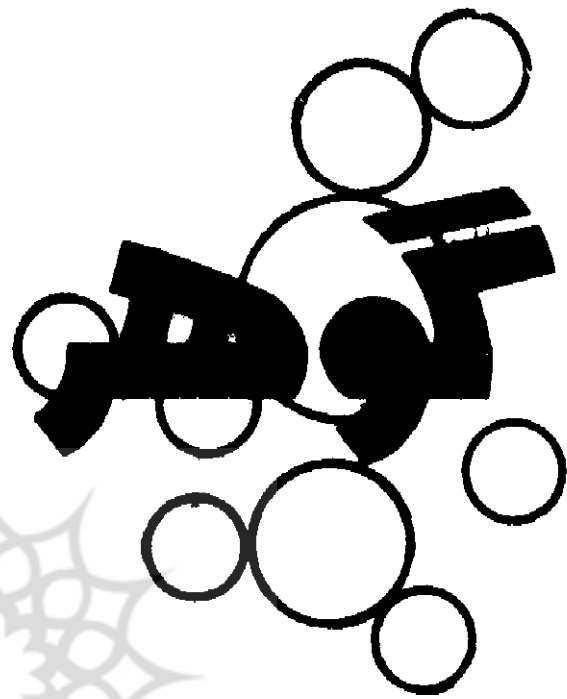


سال اول - شماره ۱۰ - آبان ماه ۱۳۵۲



## فہضت عظیم ترجمہ

سازمان ترجمہ کشور جامع علوم انسانی

۳

ب - بخش خصوصی یا ملی - دخالت بخش خصوصی و سرمایہ گذاری در این کار لازم است ولی کافی نیست. در ایران زمین اصل وقف و نذر و حبس عین مال و ایثار و انفاق منافع آن در راه خیرات و مبرات، سابقہ ای دیرین و شیرین دارد و شاید موقوفاتی باین کم و کیف در هیچ جای از جهان وجود نداشته باشد. البتہ درآمد این موقوفات باید، طبق نظر واقفان، در اموری کہ مخصوص و منصوص داشته اند بمصرف برسد و سرموئی برخلاف آن رفتار نشود تا در نتیجہ

عدم رعایت حرمت نیت واقف، باصل عمل صدمت وارد نیاید. ولی چون وضع جهان دگرگونی یافته و مقتضیات تازه و نوپیدا شده است، توانگران و مالداران فعلی، باید، بادرک روح زمان و احتیاج و اقتضای جهان، بهواردی و مواضعی جدید از وقف و نذر متوجه شوند و قسمتی از مال و منال خویش را با طیب خاطر و بی اکراه و اجبار، بهصارفی مخصوص سازند که پس از خودشان، در طی زمانهای آینده، عمل بآن بهحضور و مانع دوچار نشود و بلیت و لعل گرفتار نیاید. بعقیده نگارنده؛ یکی از مصارفی که از هر لحاظ مورد پسند خدا و خلق خداست و در هیچ زمان، اجرای آن بهیچگونه مانع و رادع بر نخواهد خورد، وقف مال و ایتثار ثروت و بذل موجود در راه بسط و نشر معارف و فرهنگ و آموزش و پرورش و یک مصرف خاص آن ایجاد مؤسسات و بنگاهها و بنیادهای کوچک، با سرمایه‌های متناسب، برای تصنیف و تألیف و ترجمه و طبع و نشر کتاب است، یعنی همین کار که دوست دیرین و عزیز من آقای مرتضی نوریانی، بصرافت طبع و از روی اخلاص و ارادت و حسن نیت و صفای طویت، انجام داده اند و در نتیجه بنیاد نیکوکاری نوریانی، با اساسنامه‌ای معین و هیئت امنائی صالح ایجاد شد و به ثبت رسید. و هم اکنون نشریات آن، یکی پس از دیگری، در دسترس مردم قرار خواهد گرفت. بنوبه مرضیه و جمال ستوده آقای مرتضی نوریانی باید برای دیگر توانگران و ثروتمندانی که شریفه و فریفته کار نیک و نام نیک و «واقیات صالحات» هستند الگو و سرمشق قرار گیرند.

سالهاست که چند مؤسسه و بنگاه مانند کمیسیون معارف (که فعلاً فعالیتی ندارد) و انجمن آثار ملی و بنیاد پهلوی و بنیاد فرهنگ ایران و مؤسسه انتشارات فرانکلین و بعضی ناشران و کتابفروشان معتبر باین کار مهم پرداخته‌اند و هر یک، بنوبه خود، خدماتی بسیار ارزنده انجام و کتابهایی مفید و ممتع انتشار داده‌اند ولی کار همه آنها به ترجمه منحصر نبوده و نیست بلکه مخلوطیست از تصنیف و تألیف و ترجمه و تصحیح و تنقیح و تحشیه نسخ مخطوط. در حالیکه منظور نظر، در این مقاله، ایجاد دستگاه یا دستگاههاییست که فقط و فقط بکار ترجمه بپردازد و لاغیر و در حقیقت بسوی یک هدف معین و مشخص جهت گیرد و از هرگونه تشتت و تفرق دورماند.

## ۲- استقلال سازمان

سازمان ترجمه کشور باید مستقل بوده از هر وزارتخانه یا دستگاه منتسب بدولت مجزا باشد. اساسنامه‌ای کامل و مقرراتی جامع و بودجه‌ای کافی و هیئت امنائی، از لحاظ سرمایه علمی و فرهنگی و ایمانی و اخلاقی، متعین و مشخص و منفرد داشته باشد و طرح قانونی آن بتصویب دو مجلس برسد تا ثبات و قوام و نظام آن غیر قابل خدشه و خلل و تشتت و تزلزل بوده باشد و با رفت و آمد دولت و عزل و نصب وزیر و رئیس، در ارکان آن سستی راه نیابد و کسانی که در آن دستگاه کار میکنند، فقط بصحت و دقت کار خود متوجه و متکی باشند و بس.

بمترین نمودار موفق چنین دستگاهی سازمان «لغت‌نامه» است که برای آن بموقع قانونی

خاص از مجلس گذشت و می بینیم که سالهاست در کمال قدرت و استحکام مبانی و بانهایت منانت و رزانت اساس دوام دارد. چون شادروان علامه علی اکبر دهخدا چهره در نقاب خاک کشید و آن چشمه فیاض ذوق و قریحه و استقامت بخوشید یکی از همکاران صدیق و امینش، استاد دکتر محمد معین، بیدرنگ، برمسند افادت و افاضت نشست و با همان وسعت نظر و کثرت تتبع و شدت دقت وجودت قریحه و وحدت ذوق دنباله کار او را گرفت و همینکه چرخ کجمدار و سپهر غدار آن حادثه غم آور را پیش آورد و طبع دانا و نطق گویا و دیده بینا و دست هنرمند او را تارک کرد و از کار انداخت، بفرور، یکی از همکاران شایسته او، استاد دکتر سید جعفر شهیدی، با همان فضائل علمی و مکارم اخلاقی، بجای او قرار گرفت. بدین طریق دستگاه، بلحظه ای خالی و کارضایع و مهمل و موقوف و معطل نماند و بعد معلوم شد که این دو استخلاف، تا چه پایه و مایه، بجا و برآستی هر یک خلف الصدق و وارت بالاستحقاق دیگری بود و در آن دست هیچگونه تشبث و توسل و نفوذ و قدرت و حمایت و عنایت دخالت نداشته و دائرة انتخاب بر محور اصل «اصلح و انسب و احق و اولی» چرخیده است. نتیجه اینکه، این کارشگرف، از آن زمان تا کنون، بر همان تیره نخستین و شاید از بعضی لحاظ بنحوی بهتر و نوتر، همانند عقربه های یک ساعت منظم، بگردش خود ادامه داده است و گروهی از نخبه و زبده ادیبان و محققان و پژوهندگان، بی توجه به تغییرات و تبدیلات دستگاه های سیاسی و دولتی و اجتماعی و بی تظاهر و خودنمایی و تفاخر و خودستایی و هیاهو و غوغا و تبلیغ و ترویج ناروا، گرماگرم، بکار خود مشغولند و حاصل کار از جمندشان را کسه یکی از فاخرترین و فخیمترین آثار فرهنگ ایران زمین و زبان نغز و شیوای پارسی دری است، بطور منظم، تحویل میدهند و در دسترس مشتاقان و طالبان میگذارند.

### ۳- دستگاه تطبیق

چون سازمان عظیم ترجمه کشور و بنیادها و دستگاههای کوچک ملی و خصوصی همه در بایست است و باید بایکدیگر همکاری داشته باشد بنابراین باید دستگاهی بعنوان ناظر و تطبیق دهنده، بکنار آن و بطریقی متناسب، تأسیس شود تا از «دوباره کاری» که معمول زمان و کشور ماست جلوگیری و یک کتاب یا یک رساله دو یا سه بار در چند مؤسسه ترجمه و طبع و نشر نشود زیرا با محدود بودن نیروی انسانی و بنیه مالی و کوتاهی وقت و کمی فرصت و شتاب در حصول مقصود و وصول بمأمول ایجاب میکند که کار مرتب و منظم باشد و پریشانی و آشفتگی را دستخوش نگردد و یک کتاب در دو مؤسسه یا بنیاد، همزمان یا پس و پیش، ترجمه و طبع و نشر نشود.

### ۴- انحصار کار سازمان بترجمه

کار و وظیفه سازمان ترجمه کشور باید همانطور که از نام و عنوانش مستفاد میشود و طبق

قانون منجز و مسجل خواهد شد، منحصر و محدود به ترجمه باشد و ابداً و مطلقاً و به هیچ وجه من الوجوه و تحت هیچ قید و شرط و استثناء، تا مدتی بسیار بسیار دراز، بکار دیگر نپردازد و امور مربوط به تصنیف و تألیف و تصحیح و تحشیه و تعلیق و مقابله نسخ و چاپ کتابهای مخطوط نفیس یا منحصر بفرد یا کمیاب و تلخیص و اقتباس و کارهایی مانند آن را، که البته همه مهم و لازم است و بایستی صورت عمل بخود گیرد، بمؤسسات و افراد دیگر واگذارد.

## ۵- انتخاب کتابها برای ترجمه

یکی از مشکلات و معضلات این طرح، البته پس از ترجمان، انتخاب کتابهاست که برای ترجمه جدا میشود و در دسترس ترجمان قرار میگیرد. زیرا پایه و مایه کار سازمان برد واصل نهاده شده است یکی کتاب خوب و برگزیده و دیگر ترجمان آزرده و ورزیده و اگر یکی از این دو اصل خراب و فاسد باشد، ساختمان سازمان فرومی افتد و تباہ می شود. بنابراین باید در انتخاب کتاب حداکثر حزم و احتیاط و مراقبت و توجه را مرعی و ملحوظ داشت و حتی کار را تا سرحد وسواس کشاند.

باید کتابهایی را برای ترجمه برگزید که در حد خود مفید و بدیع و مفرد و اعلی و ممتاز و موثوق و مستند و حجت باشد و مصنفان و مؤلفان آنها از اعاظم و اکابر العالمان و محققان و متخصصان و ادیبان و شاعران جهان بشمار روند. بنابراین از دست زدن بترجمه کتابهایی که از لحاظ محتویات و مندرجات علمی و ادبی و اخلاقی و اجتماعی فقیر و تهی است خطاست و انتخاب کتابهای بیقدر و منزلت و احیاناً منافعی صلاح و عفاف، چون نزدیک شدن بآتش سداخته و سم قاتل و افعی مهلك خواهد بود که پرهیز و اجتناب از آن لازم و واجب است. زیرا همانگونه که کتاب خوب در تهذیب روح و تصفیة باطن و تنزیه اخلاق فرد یا جامعه اثری و نفوذی مسلم و منجز و غیر قابل انکار دارد، دلیلی در میان نیست که کتاب بد اثر معکوس و مخالف نداشته باشد و موجبات تباہی و بدبختی و گمراهی خوانندگان را فراهم نیآورد.

پس سازمان مأمور و موظف ترجمه که در هر حال جنبه هدایت و ارشاد را نیز داراست باید باین نکته بسیار مهم و اصل اساسی توجه و عنایت کامل داشته باشد. هرگونه غفلت یا مسامحت موجب خواهد شد که از این کار مفید نقض غرض حاصل شود. بنابراین انتخاب کتاب برای ترجمه و توزیع آن در میان مردم «بشمیر دودم» مانده که در بکار بردن آن باید از آغاز کار کمال حزم و احتیاط را مرعی و ملحوظ داشت.

کتابها را باید از رشته های مختلف و متنوع دانش بشری انتخاب کرد مانند طب و بهداشت و دندان پزشکی و داروسازی و دامپزشکی و مهندسی و ریاضی و علوم طبیعی و تجربی (فیزیک و شیمی و گیاه شناسی و جانور شناسی و زمین شناسی) و نجوم و فلکیات و حقوق و اقتصاد و تاریخ

و سیاست و ادبیات و الهیات و فلسفه و حکمت و اصول و کلام و فقه و هنرهای زیبا و مفرعات و متضلمات آنها، یعنی مجموعه دانستیها و فراگرفتیهای فرهنگ و تمدن قرن. نیز باید این کتابها را از همه زبانهای زنده جهان برگزید نه از یک یا دو زبان خاص.

بعقیده نگارنده در این مرحله باید، لاقلاً نامدتی دراز، ترجمه کتابهای علمی، بخصوص علوم اساسی و پایه، مقدم باشد زیرا نسل جوان کنون و نسل آینده بآن نیاز مبرم دارد. بعلاوه اقتضای زمان و تحول کشور ایجاب میکند که بکتابهای علمی و فنی و تخصصی توجهی و عنایتی بیشتر مبذول شود، بخصوص که با کمال تأسف جای آنها در زبان پارسی خالیست.

## ۶- ترجمان خوب و ترجمه خوب

شاید بهتر بود که ترجمان خوب و ترجمه خوب را در دو عنوان جداگانه میآوردیم تا درباره هر یک حق سخن جداگانه ادا گردد. ولی از آنجا که این دو امر بهم پیوستگی تام و تمام دارد و لازم و ملزوم یکدیگر است با هم بیان میشود. جان کلام و روح طرح و شرط لازم توفیق سازمان ترجمه، در انتخاب ترجمان است. اگر ترجمان «خوب» بود بالملازمه ترجمه «خوب» خواهد بود و بالعکس.

ترجمانان باید از میان کسانی انتخاب شوند که :

اولاً در زبان پارسی و زبانی را که می خواهند از آن ترجمه کنند، یعنی زبان مترجم عنه استاد و ورزیده و کارکشته و خبیر و بصیر باشند.

ثانیاً در آن علم و فن و موضوع که ترجمه می کنند وارد و درس خوانده و زحمت کشیده باشند، خلاصه کلام آنکه ترجمان باید هم دو زبان و هم موضوع ترجمه را «خوب و کامل» بداند و بشناسد.

پس برای آنکه ترجمه ای «کامل العیار» باشد، دانستن خوب دو زبان شرط لازم است ولی کافی نیست و آزمون کافی شود که آشنائی کامل بموضوع ترجمه نیز وجود داشته باشد. هرچه موضوع مورد ترجمه جنبه تخصصی بیشتر دارد ترجمان باید در آن موضوع ماهرتر و متبحرتر باشد تا از خطا و لغزش مصون و محفوظ بماند و مترجم او مورد نیشخند و تفسیر قرار نگیرد. اگر پزشکی بکار ترجمه کتاب ریاضی و یا ریاضی دانی بامترجمه پزشکی پردازد حاصل رنجشان بیهوده و باطل است زیرا با آنکه دوزبان را خوب میدانند ولی بطور قطع و مسلم، بنات بیگانه بودن با اصل موضوع مورد ترجمه، ناگزیرند، برای فهم و درک مطلب و یافتن اصطلاحات تخصصی، بکتابهای لغت و دائرة المعارف رجوع کنند و یا از این و آن که بآن موضوع آشنائی دارند بپرسند، لاجرم، ترجمه خوب از آب در نمیآید و از وصمت عیب و نقص دور نمیماند.

خوب بخاطر دارم، پس از آنکه دانشکده پزشکی را با تمام رسانیدم و دوره خدمت پذیر پرچم

را میگذراندم، وزارت فرهنگ، بساطقه سابقه‌ای که در میان بود، ترجمه کتاب «راه خوشبختی» نوشته «ویکتور یو» جراح نامدار فرانسوی را برعهده من گذاشت. من این کتاب را که مخطوطی از پزشکی و بهداشت و روان‌شناسی و اخلاق و حاوی مصطلحات فنی بود، از زبان فرانسه در دو جلد پارسی گزاردم و طبع و نشر کردم و تاکنون نیز، شش بار طبع آن تجدید شده است. بهنگام چاپ نخستین، شخص دیگری از اعضای وزارت پست و تلگراف و تلفون که اکنون در قید حیات نیست و خدایش بیامرزد نیز، به ترجمه همین کتاب پرداخت. ترجمه من او در يك زمان و یا اندکی پس و پیش منتشر شد. متأسفانه او با آنکه زبان فرانسه و پارسی را نیکو میدانست ولی چون پزشک نبود و با مصطلحات پزشکی و بهداشتی و مباحث مربوط بآنها آشنائی نداشت ناچار بود، برای درک و فهم مطالب، از کتابهای لغت و یا این و آن استمداد جوید، از آنرو دو چارخطاها و لغزشهای فراوان شده بود که حتی بعضی از آنها برآستی مایه افسوس و دروغ و اجیاناً خنده آوراست. چندین سال پیش نیز یکی از آشنایان کتابی معتبر را در خواص میوه‌ها و سبزیها، از زبان فرانسه پارسی ترجمه کردند که نخست در روزنامه اطلاعات روزانه چاپ میشد و بعد هم بصورت دو جلد کتاب جداگانه انتشار یافت و رواجی فراوان پیدا کرد. همانطور که یکی دوبار، باغتم فرصت، با ایشان یاد آور شدم متأسفانه ایشان چون پزشک و داروساز نبودند، در موارد عدیده، باغزشهای غیر قابل تصور دوچار شدند و کتاب را از مزیت يك ترجمه کامل العیار و قابل اطمینان محروم ساختند.

ترجمه مقالات علمی و فنی که در روزنامه‌ها و مجلات انتشار می‌یابد، از این لحاظ قابل توجه و تأسف است. چون اغلب ترجمانان فقط زبان میدانند و در مبحثی که ترجمه از آن بعمل می‌آورند املاع و اهلیت ندارند، اشتباهات و خطاها و لغزشهای عجیب و غریب مرتکب میشوند. نیز شنیده‌ام که شادروان محمدعلی فروغی ذکاء الملک رحمة الله علیه که یکی از رجال عالم‌القدر عام و ادب و سیاست قرن و در سه زبان پارسی و عربی و فرانسه چیره دست بودند، در ترجمه «فن سماع طبیعی» ابوعلی حسین بن سینا شیخ‌الرئیس و نیز در تألیف، «حکمت سقراط» و یکلدوره «میر حکمت در اروپا» و نقل عقائد و آراء حکیمان و فیلسوفان مغرب‌زمین و بخصوص تطبیق فلسفه و حکمت مغرب‌زمین با فلسفه و حکمت مشرق‌زمین، برای رعایت کمال حزم و احتیاط و اجتراز از هر خطا و لغزش، با چند تن از اعظام و اکابر حکیمان و متکلمان و فیلسوفان معاصر مانند شادروانان، میرزا طاهر تنکابنی، میرزا مهدی آشتیانی و حسین نجم‌آبادی و فاضل تونی و آقا ضیاء‌الدین دری و حکیم بسارع آقاسی سید محمد کاظم عصار ادام‌الله ایام افاضاته، که با اصول و فروع اصطلاحات و حکمت فلسفه قدیم وارد بودند، مشورت و مصلحت اندیشی می‌کردند و نظرات آنانرا مطاع و متبع میدانستند. از اینرو ترجمه‌های آن مرحوم از جمله «ترجمه‌های خوب» بشمار آید.

ترجمه هنگامی راست و درست و بمعنی حقیقی کلمه «صحیح و سالم» است که با اصل مطابقت تام و تمام داشته باشد و هر کس بتواند، بی هیچگونه دودلی و شک و تردید و دغدغه خیال، بآن استناد جوید و برای حصول اطمینان و سکون خاطر ناگزیر نشود که با اصل کتاب رجوع کند و پس از رجوع دریابد که مترجم و مترجم عنه تطابق ندارد و ترجمان در فهم یا بیان مطلب دچار خطا و لغزش فراوان شده است.

برای بدست آوردن ترجمه‌هایی موثوق و مطمئن باید ترجمان اصول و فروع و رموز و لطائف و ظرائف هر دو زبان و کم و کیف موضوع و مبحث مورد ترجمه را بداند و نیکو بداند و بنوع استعارات و کنایات و اختلاف بسیار خفیف (نوانس) لغات و مدعطلحات و محل استعمال کلمات و قوفی کامل داشته باشد و در فهم مباحث و مسائل و مطالب آنچه ترجمه میکنند در نماید. ترجمان باید اگر معنی عبارتی را در زبان اصلی دریافت و یاد در بیان آن به پارسی عاجز بود غفلت و مسامحت را دستخوش نشود و از پیش خود ترجمه نکند و ذوق و سلیقه شخصی خود را بکار نبرد.

خوب میدانیم که اغلب کتاب و نسخ کتاب‌های مخطوط قدیم، در استساخ و استکتاب نسخ چه تصرفات نابجا کرده‌اند و چگونه بجای لغات یا جملاتی را که نفهمیده‌اند، بسلیقه و ذوق خود، لغات و جملات دیگر قرار داده‌اند و یا بعضی لغات و کلمات اصیل را بخیال خود تبدیل به احسن کرده و بکلی دگرگون ساخته‌اند. یکی از مصائب و نوائب بزرگ و روزمره غیر قابل علاج محققان و پژوهندگان، در کار تصحیح و تنفیح کتب مخطوط، بخصوص اگر نسخه منحصر بفرد باشد، برخورد بهمین تصرفات ذوقی و تصحیحات سلیقه‌ای و ترجیحات بلامرجح و تبدیل باحسن‌های نادر خور همین نسخ و کتاب است که دانسته یا ندانسته انجام داده‌اند و کمتر نسخه مخطوطیست که از دستبرد ذوق و سلیقه آنان صحیح و سالم بدر رفته باشد.

ترجمان باید از این روش ناصواب و راه خطا پیروی نکند و در کار ترجمه و نقل مطالب، از هرگونه انحراف و اعوجاج پرهیزد و نهایت صحت و دقت و امانت را رعایت کند تا قسولش را حجت بگیرند. در اینجا باید مرتبه دقت و درجه امانت ترجمان، تالی نلو ایمان و عقیدت دینی و تعصب و تنقید مذهبی باشد. چون اساس کار ترجمه تطابق مترجم و مترجم عنه است که مانند صورت و تصویر، طابق النعل بالنعل، با هم یکسان باشد بنا بر این لازم است از اقتباس و تلخیص و نقل بمعنی و امثال آن احتراز کامل جست زیرا اینها هیچیک بمعنی ترجمه نیست و صور و اشکال دیگر است از استفاده و بهره برگرفتن از کتابها که از موضوع بحث ما خارج است. البته طرق مذکور هم شاید در بعضی مواقع مورد نیاز باشد و دیگران که ترجمه‌ها را میخوانند، در مراحل بعد، بدان پردازند و مطالب را بدوق و احتیاج خود اقتباس یا تلخیص یا نقل بمعنی کنند ولی ترجمه کتابی که از این سازمان بزرگ ترجمه کشور بیرون می‌آید تا در گنجینه عظیم زبان پارسی باقی بماند

باید تام و تمام و کامل و شامل و نسخه بدل اصل باشد نه ناقص و ابتر و مسخ شده .  
 ترجمان دقیق و امین و آزموده و ورزیده و کامل و جامع باید بهنگام ترجمه هر اثر  
 خود را بکلی فراموش کند و شش دانگ در قالب و جلد صاحب اثر فرو رود و از تمام احوال  
 و اطواری که نویسنده یا سراینده اصلی بهنگام پدید آوردن اثر خود داشته و بیشک در اثر  
 او منعکس است پیروی کند و همه آن دقائق را، از ایجاب و سلب و انبات و نفی و اقرار و انکار  
 و استفهام و استعلاء و تعجب و تحسیر و ایجاز و تطویل و وقف و سکون و غمگینی و شادمانی و  
 آرامش و هرجان و تأثر و انفعال، رعایت نماید. تنها و تنها با رعایت این نکات دقیق و ظریف  
 است که مترجم و مترجم عنه مطابق و مماثل و مشابه و همانند و یکی آئینه تمام نمای دیگری  
 خواهد بود.

دبیر کل بنیاد، دکتر نصره الله کاسمی

رامسر، مهر ۱۳۵۲

بیر نصره الله کاسمی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

